

# بلاک‌چین آینده آموزش عالی را چگونه رقم می‌زند؟

## فرهیختگان

### دانشگاه

سه‌شنبه ۲۹ خرداد ۱۴۰۲ | شماره ۴۱۶۲ | WWW.FDN.IR

رئیس دانشگاه آزاد استان بوشهر در گفت‌وگو با «فرهیختگان» خبر داد

## پذیرش دانشجوی پرستاری در واحد بوشهر از مهرماه



تشکل‌های دانشجویی با صدور نامه و بیانیه سوالات مهمی از نامزدهای انتخاباتی پرسیدند

## آزمون دانشگاه

## از نامزدهای انتخاباتی

### چه خبر از دانشگاه

#### محدودیتی برای حمایت از فناوران در دانشگاه آزاد وجود ندارد

کارگروه «اجرایی شدن دستورالعمل‌های مربوط به جهاد علمی» با حضور مدیرکل ارتباط با صنعت و جامعه دانشگاه آزاد، رئیس دانشگاه آزاد استان بوشهر، نماینده مرکز شهید فهمیده استان بوشهر، مسئولان پژوهشی سپاه امام صادق (ع)، نیروی دریایی، نیروی انتظامی و جمعی از مدیران دانشگاهی و استانی استان بوشهر برگزار شد.

مدیرکل ارتباط با صنعت و جامعه دانشگاه آزاد در این نشست با تقدیر از رویکرد مناسب پژوهشی و تعاملی دانشگاه آزاد بوشهر با نهاد های بیرون دانشگاهی و اشاره به برگزاری رویدادهایی همچون عصر امید عسلویه و پیش رویداد عصرا مید دریا گفت: «برنامه‌های اجرا شده در این خصوص و اقدامات پس از آن، نوبت بخش این مهم است که رسالت‌های مدنظر دانشگاه آزاد در این استان در مسیر صحیح خود قرار گرفته است. لاله ملک‌نیا با تاکید بر جاری کردن اهداف جهاد علمی در کشور توسط دانشگاه آزاد، متذکر شد: «ظرفیت‌های متعدد استان بوشهر و اقدامات پیشرو و چند جانبه دانشگاه این استان، سبب شد تا استان بوشهر در اولویت برنامه‌های سازمان مرکزی دانشگاه قرار داشته باشد.»

وی با اشاره به برقراری ارتباط میان نهاد های متولی و درخواست‌کننده با فناوران و شرکت های فناور به صورت جدا و بدون حضور و حمایت دانشگاه‌ها در پیش از این، گفت: «در موضوع جهاد علمی، این موضوع به خوبی دیده شده و با شفاف سازی مسیر ارائه موضوع تا حل مساله، چالش‌ها برطرف شده است.» مدیرکل ارتباط با صنعت و جامعه دانشگاه آزاد با اشاره به تازه بودن دستورالعمل‌های جهاد علمی، یادآور شد: «تاکنون ۲۵ محور اصلی برای فعالیت‌های فناوران دانشگاه آزاد طراحی و ۳۵ عنوان کلی به همراه زیرعنوان‌های مربوطه نیز ابلاغ شده است.»

ملک‌نیا، هدف خود را از حضور در استان بوشهر به عنوان نماینده دانشگاه یک مساله اساسی برشمرد و تاکید کرد: «دانشگاه آزاد ایجاد تعامل میان دانشگاه و جامعه و صنعت را یک رسالت برگزیده و ابتدا دلبان شکل‌گیری ارتباط و سپس تقویت و استمرار آن با تمامی نهاد های اثرگذار برای رشد و اعتدالی کشور است.» وی با اشاره به اینکه هیچ‌گونه محدودیتی برای حمایت از فناوران دانشگاهی در دانشگاه آزاد وجود ندارد، خاطر نشان کرد: «مساله مهم، انجام خدمت برای مردم و کشور است. گستردگی، شبکه‌ای و یکپارچه بودن دانشگاه آزاد، ظرفیتی است که در کمتر مراکز علمی کشور وجود دارد، چراکه چالش‌های یک نهاد و سازمان، چالش برای تمامی فناوران دانشگاه آزاد در کشور خواهد بود و ظرفیت و توان علمی و تخصصی کشور برای حل چالش در اختیار قرار خواهد گرفت.» مدیرکل ارتباط با صنعت و جامعه دانشگاه آزاد با تشریح طرح پویا و پایش دانشگاه آزاد تبیین کرد: «در طرح پویا، دانشجویان با کمترین هزینه با حضور در صنایع، ضمن انجام فعالیت برای صنعت، به نوعی آموزش‌های لازم را برای جذب در صنایع پس از فراغت از تحصیل دریافت می‌کنند که این به نوعی سرمایه‌گذاری برای صنایع با کمترین هزینه خواهد بود.»

ملک‌نیا افزود: «در طرح پایش نیز موضوعات مورد نیاز صنایع و جامعه به صورت طرح‌های پژوهشی و پایان‌نامه توسط استادان و دانشجویان بدون پرداخت هزینه‌های سنگین و تنها در قالب حمایت از طرح، انجام می‌شود.»

#### معرفی ۵۰۰ دانشجو به صنایع و واحدهای تولیدی در رویداد صدرا

علی محمدی ترکاشوند با تاکید بر ضرورت پیوند صنعت و دانشگاه در راستای اجرای طرح پویا بیان کرد: «این طرح در قالب بخشنامه ابلاغ شده تا برای دانشجویان بازار کار تعریف کنیم و هماهنگی با صنایع، خدمات، تولیدی و سایر بخش‌ها را به وجود بیاوریم تا در قالب برنامه بردر دانشجویان بتوانند هزینه‌های تحصیل را تأمین کنند و صنایع بتوانند استفاده بهینه در راستای به‌کارگیری نیروهای مهارتی و خلاق داشته باشند.» وی ادامه داد: «ارتباط صنعت، دانشگاه و جامعه دانشجویی باعث می‌شود تا دانشجویان با مقوله بازار کار آشنایی پیدا کنند و محور پژوهش‌های دانشگاهی به سمت نیازهای جامعه و مطابق با صنعت و حل مشکلات آن پیش رود.»

مدیرکل ارتباط با صنعت و جامعه دانشگاه آزاد واحد شهر قدس با تاکید بر اینکه تقویت رابطه صنعت و دانشگاه از عوامل مهم در پیشرفت هر منطقه از لحاظ اقتصادی و در سطح کلان در کشور است، مطرح کرد: «همکاری صنعت و دانشگاه باعث می‌شود برای منبای پژوهش محوری از یک سو دانشگاه‌ها مهارت‌های علمی و عملی را به درستی در اختیار دانشجویان قرار دهند و از سوی دیگر صاحبان صنایع نیز با جامعه دانشگاهی در ارتباط باشند.»

#### رصد کوز ماه با تلسکوپ تخصصی واحد پردیس

رئیس دانشگاه آزاد واحد علوم و فناوری پردیس گفت: «شامگاه ۲۷ خرداد کوز ماه (ماه محدب) با تلسکوپ تخصصی در این واحد آموزشی توسط دانشجویان حاضر رصد شد.» حسین شیوایی شامگاه دوشنبه به ایرنا گفت: «اولین شب رصدی کوز ماه (هنگامی که بیشتر از نصف کره ماه روشن شود، ماه محدب یا کوز ماه گفته می‌شود) در واحد علوم و فناوری پردیس با حضور مسعود عتیقی مدیرانجمن نجوم آماتوری کشور، مریم میرتربایی استاد فیزیک دانشگاه و استقبال خوب دانشجویان برگزار شد.»

وی ادامه داد: «رشته نجوم یکی از موضوعات فرارشته‌ای و مورد اقبال بسیاری از ماست و برگزاری موضوعات مرتبط با نجوم و آی‌تی را در دانشگاه با برگزاری نشست‌های علمی در دستور کار قرار داده‌ایم.»

#### ارسال ۳۵ ایده کاربردی به رویداد ایده‌آرای فرش دستباف

روح‌الله احسانی، مدیر مرکز رشد فناوری‌های نوین در صنایع دانشگاه آزاد واحد بجنورد در گفت‌وگو با آنا از ارسال ۳۵ ایده کاربردی از سه استان خراسان شمالی، چهارمحال و بختیاری و گلستان به دبیرخانه رویداد ایده‌آرای فرش دستباف خبر داد و اظهار کرد: «با توجه به رسالت دانشگاه در راستای رفع چالش‌های پیش‌روی فرش دستباف این ایده‌ها در محورهای مختلف از جمله ایده‌های نو در طرح، رنگ و مواد اولی، کاربردهای جدید فرش دستباف، فرش دستباف و اشتغال، فرش دستباف و گردشگری، توسعه فناوری اطلاعات در زنجیره فرش دستباف، برند سازی و بازاریابی به دبیرخانه رویداد ارسال شد که پس از بررسی‌های اولیه هیات داوران، ۱۵ ایده برتر و کاربردی در رویداد مطرح و داوری شدند که در نهایت سه ایده برتر را برای داوران انتخاب خواهند شد.» وی عنوان کرد: «در راستای اجرای بند ۶۱ راهکنش ترویج، بسترسازی، تسهیل تجاری سازی و بازاریابی فناوری‌ها و در سند تحول و تعالی دانشگاه آزاد با هدف شناسایی، اولویت‌گذاری و مشارکت و حضور فعال در رویدادهای فناورانه و استارت‌آپی و با توجه به رویکرد حل مساله صنعت و کسب‌وکار توسط دانشگاه آزاد و با هدف احیای فرش دستباف خراسان شمالی، رویداد ایده‌آرا با عنوان «برند سازی فرش دستباف خراسان شمالی، چالش‌ها و راهکارها» در دانشگاه آزاد واحد بجنورد برگزار شد.» مدیر مرکز رشد فناوری‌های نوین در صنایع دانشگاه آزاد واحد بجنورد با تشریح حمایت از برگزیدگان رویداد ایده‌آرای فرش دستباف خراسان شمالی افزود: «جوایز نفرت اول تا سوم رویداد به ترتیب ۲۰، ۳۰ و ۱۰ میلیون ریال به صورت نقدی بوده که توسط سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی خراسان شمالی پرداخت خواهد شد و تیم‌های اول تا پنجم نیز در اولویت استقرار در مرکز رشد فناوری‌های نوین در صنایع دانشگاه آزاد بجنورد قرار می‌گیرند.» احسانی بیان کرد: «استفاده رایگان از خدمات مشاوره‌ای شرکت شهرک‌های صنعتی به مدت یک سال، بهره‌مندی از کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی شرکت شهرک‌های صنعتی به صورت رایگان به مدت یک سال، اهدای کمک هزینه تولید محتوا در سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی توسط شرکت شهرک‌های صنعتی و حضور رایگان به مدت یک سال در تورهای صنعتی و نمایشگاه‌هایی که توسط شرکت شهرک‌های صنعتی برگزار می‌شود نیز از دیگر موارد حمایتی از برگزیدگان این رویداد خواهد بود.»

### یادداشت

## برای لبخند او

زهرا عدالت‌فر  
دانشه مهال طلای المپیاد ادبی سال ۹۷

متن سخنرانی سه دقیقه‌ای ام را برای بار آخر در گوشی ام مرور کردم. وسواس عجیبی این دم آخر سراغم آمده بود... اول بسم الله بگویم یا اول سلام کنم؟ بگویم سلام علیکم یا سلام ساده؟ حضرت تعالی درست‌تر است یا جناب‌عالی؟ نکنند صدایم بلرزد؟ دستم؟ بنشینم یا بایستم؟ گیره روسری ام شل نشود آن وسط؟ آخرش چه بگویم؟ والسلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته؟ زنت نیست؟ چقدر هوا گرم است! این دم آخری گرم‌زده نشوم؟! اصلا چرا راننده مرا سه چهار راه زاینهر تر پیاده کرد؟ همین طوره که خودم را شمامت می‌کردم که چرا زودتر به این چیزها فکر نکرده‌ام. دیدم جمهوری، ختم به کشور دوست شد. فرمان ۱۰ صبح، تقاطع نوشیروان و کشور دوست بود. از سر کوچه تک‌وتوک بچه‌ها را می‌دیدم که دم در، شناسنامه به دست منتظرند. موج هیجان و تکاپوی‌شان از همینجا به صورتم می‌خورد. سراسر شوق بودم. سراسر شوق بودند. به خانواده پیامکی دادم که قرار است گوشی‌ام را تحویل دهم و تا حوالی ساعت ۱۵ خبری از من نیست. نگران نشوید. چادرم را با دستم بالاتر جمع کردم تا پایشن یک وقتی چپوک یا خاکی نشود. هرچند... آفتاب روی زمین راه نمی‌رفت که خاکی شدنش محال بود! راهم را به سمت شش‌انگ کج کردم. شعری را که پنج سال پیش برای چنین روزی از حافظ قرض کرده بودم زیر لب زمزمه می‌کردم:

هرچند پیر و خسته دل و ناتوان شدم

هرگه که یاد روی تو کردم جوان شدم

شکر خدا که هرچه طلب کردم از خدا

بر منتهای همت خود کامران شدم...

بیت آخر شد و رسیدم پشت در بیت. برق چشمان‌شان، هر ۷۰ نفر، چشم‌ها را می‌زد. انگار همه دعوت بودیم عید دیدنی. بی‌ریغ هم نبود. دو روز دیگر عید قربان بود. هفته بعدش غدیر، فرادش عرفه. لباس‌های نو، مرتب با کفش‌هایی واکس‌زده. از اینجابه به بعدش را انگار گذاشته بودند روی دور تند. چیزی نگذشت که پس از بازرسی‌ها دیدم مقابل یک ساختمان دوطبقه سفید ایستاده‌ام. دیدار، این بار، غیررسمی بود و قرار نبود در حسینیه برگزار شود. از پشت درهای شیشه‌ای می‌دیدم که همگی صف نماز بسته‌اند و انتظار می‌کشند.

رفیقم داخل و صف بستیم. جای خوردیم و شیرینی نخودچی. صدای همهمه و نجوا فضا را پر کرده بود. هرکس از بغل دستی‌اش می‌پرسید آقا قرار است از کجا وارد شوند؟ هرکس حدسی داشت. پشت آن درهای شیشه‌ای انگار زمان ایستاده بود و ما جوانک‌های مدال در دست، سرخوش، میهمان بزرگ‌ترین مرد جهان بودیم.

صدای اذان در آن اتاق سفید پیچید.

زمزمه می‌کردم... الله اکبر... الله اکبر... بکھو انگار پرت شدم به شش سال پیش. شش سال انتظار کشیده بودم. شش سال! اگر سنم را ۲۲ سال و چند ماه در نظر بگیرم حدودا می‌شود یک چهارم‌ش. به یاد این سال‌ها بغض گرفتم ولی با اشهد ان لاله الا الله شکاندمش. اذان تمام شد. سرم را چرخاندم سمت حیاط. پایین پله‌ها... ماه را دیدم. برای یک لحظه انگار جریان خون در بدنم برعکس شد. نمی‌دانم کی بلند شدیم، ایستادیم، به صف شدیم... و نمی‌دانم آقا از کجا داخل شدند... اما ناگهان هرچه همهمه بود، سکوت شد. برعکس دیدارهای دانشجویی که در این لحظه صدای تکبیر و شعار بلند می‌شود، همه تن، چشم‌شده خیره به ایشان

بودیم، دست بر سینه برای عرض سلام و ارادت. آقا، گرم و صمیمی، آرام، با لبخندی عمیق وارد شدند. آقا آمدند. هوا تازه شد. نور تابید. دیگر خبری از آن نگرانی‌های صبح نبود. آقا از جلوی ما رد شدند... رفتند تا ابتدای صف نماز برسند. کمی که گذشت انگار تازه به خود آمدیم. صدای «صل علی محمد، نایب مهدی آمد» بلند شد. ایشان زد می‌شدند و من با خودم می‌خواندم: ای قباي پادشاهی راست بر بالای تو زینت تاج و نگین از گوهر والای تو آفتاب فتح را هر دم طلوعی می‌دهد از کلاه خسروی رخسار مه سیمای تو جلوه گاه طایر اقبال باشد هر کجا سایه اندازد همای چتر گردون سای تو از رسوم شرع و حکمت با هزاران اختلاف نکته‌ای هرگز نشد فوت از دل دانای تو گر چه خورشید فلک چشم و چراغ عالم است روشنایی بخش چشم اوست خاک پای تو آن چه اسکندر طلب کرد و ندادش روزگار جرعهای بود از زلال جام جان افزای تو عرض حاجت در حریم حضرتت محتاج نیست راز کس مخفی نماند با فروغ رای تو... قامت نماز بستیم.

حضرت آقا پدانه، در بالای مجلس نشستند و ما هم دور و برشان. لبخندی زدند و یکی یکی ما را از نظر گذراندند. دیدار غیررسمی ما، رسماً شروع شد. کاغذم را در دستم می‌فشردم و انتظار سه دقیقه‌ای را می‌کشیدم که سال‌ها منتظرش بودم. مجری - که یکی دیگر از بچه‌های المپیادی سال‌های قبل بود- اسامم را صدا زد. آقا در جمع چشمی چرخاندند تا ببینند نوبت کیست که سخن بگویم. آمدم بایستم که آقا گفتند نیازی نیست، بنشینید. آن سه دقیقه شروع شد و من دوباره، نوجوان شدم. من همان نوجوان شب‌های المپیاد ادبی بودم. همان نوجوان هفت صبح تا ۱۰ شب درس خواندن، نوجوان روز اعلام نتایج، نوجوان خط به خط منابع راریز به ریز خواندن و مدال طلا. من شوق شدم و خوردم. دلم فقیقه بلند می‌خواست. دلم می‌خواست در آن دور آن اتاق بودم. بلند بلند بگویم آقا! من فقط برای این لحظه، آن درس خواندم که بیایم سه قدمی شما بنشینم. دستی روی سرم بکشید. دعایی بدرقه راهم کنید. آن سه دقیقه تمام شد. آقا لبخندی زدند. و من جایزهم را گرفتم. لبخندم را گرفتم. دستم پیر از لبخند ایشان بود. انگشت هدی‌های که برای همسر گرفته بودم را در دستم محکم فشار می‌دادم و این بار کشور دوست، طولانی‌ترین خیابان دنیا شده بود. خیابانی که در انتهای آن ما میهمان بزرگ‌ترین مرد جهان بودیم...